



مترجم و ویراستار گرامی

لطفا در نگارش و ویرایش متن فارسی به این نکات توجه فرمایید:

۱) نزدیک نوشتن اجزای اصلی جمله:

هر جمله خبری یک بخش «پایه‌ای» دارد که از نهاد و گزاره تشکیل می‌شود:

شیراز زیباترین شهر ایران است.

همه دانش آموزان مدرسه علوی قبول شدند.

به این جمله پایه می‌توانیم اجزایی بیفزاییم، مانند قیدها، عبارت‌های توضیحی و عبارت‌های تکمیلی. برای روان‌تر شدن و ساده‌تر شدن جمله باید بکوشیم اجزای جمله پایه، یعنی نهاد و گزاره، را تا جایی که می‌شود در کنار هم قرار دهیم یا تشخیص آن را برای خواننده راحت کنیم. برای این کار می‌توانیم از ۴ راهکار استفاده کنیم:

۱. شکستن جمله و تبدیل کردن آن به جمله‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر.

فرناندو سورنتینو که این مصاحبه را با بورخس انجام داده است نویسنده‌ای آرژانتینی است

این مصاحبه را فرناندو سورنتینو با بورخس انجام داده است. سورنتینو نویسنده‌ای آرژانتینی است.

آمریکای لاتین همواره نوید می‌دهد که دربردارنده تاریخی نو (تضاد قدرتمندی در این ترکیب است) است.

آمریکای لاتین همواره تاریخی نو را نوید می‌دهد. تضاد قدرتمندی در ترکیب «تاریخ نو» وجود دارد.

۲. عبارت‌های تکمیلی و توضیحی، به صورت عبارت وابسته، بعد یا قبل از جمله پایه بیاید.

علی دوبار، یک‌بار در نوجوانی و یک‌بار در پیری، به آمریکا رفته است.

علی دوبار به آمریکا رفته است، یک‌بار در نوجوانی و یک‌بار در پیری.

۳. استفاده درست از علائم نگارشی، مانند قرار دادن قیدها و عبارت‌های توضیحی در میان دو ویرگول.



رمان مدرن که شاید بتوان بهترین نمونه آن را صد سال تنهایی نامید از نوع دیگری از مداخله بهره

می‌جوید

رمان مدرن، که شاید بتوان بهترین نمونه آن را صد سال تنهایی نامید، از نوع دیگری از مداخله

بهره می‌جوید.

۴. جابه‌جایی اجزای جمله

نوعی آگاهی علمی که خود را از طریق سفرنامه‌ها بیان می‌کند در نوشته‌های داستانی آمریکای

لاتین در قرن نوزدهم مشهود است.

در نوشته‌های داستانی آمریکای لاتین در قرن نوزدهم، نوعی آگاهی علمی مشهود است که از

طریق سفرنامه‌ها بیان می‌شود.

۲) جمله‌های پیش‌پرداز و پس‌پرداز:

بهتر است در نگارش فارسی از جمله‌های پیش‌پرداز استفاده کنیم نه از جمله‌های پس‌پرداز. جمله پیش‌پرداز جمله‌ای است که در آن، مطلب را زنجیروار بیان می‌کنیم و هنگام خواندن این جمله‌ها، خواننده سازه‌ها را یک به یک درک می‌کند و لازم نیست برای درک یکی از سازه‌ها، به سازه قبلی یا سازه‌های بعدی رجوع کند. در جمله‌های پس‌پرداز، برعکس، ذهن خواننده، برای درک ساختار جمله و جایگاه هر سازه در ساختار کلی جمله، باید مدام به سازه قبل یا بعد رجوع کند و گاهی باید جمله را تا آخر بخواند تا ساختار جمله را کاملاً درک کند. استفاده از جمله‌های پیش‌پرداز فهم مطلب را ساده‌تر می‌کند.

به منظور راه‌اندازی دوره آموزشی کارشناسی رایانه، موسسه آی بی ام آقای خادمی را دعوت کرد.

موسسه آی.بی.ام از آقای خادمی دعوت کرد تا دوره آموزشی کارشناسی رایانه را راه‌اندازی کند.

برای پرداخت شهریه حسین که از سال گذشته بیشتر شده بود از صندوق تعاونی اداره، که قبلاً اعلام

کرده بود وام تحصیل می‌دهد، وام گرفتم.

صندوق تعاونی اداره قبلاً اعلام کرده بود که وام تحصیل می‌دهد، بنابراین از آنجا وام گرفتم تا شهریه

حسین را، که نسبت به سال قبل بیشتر شده بود، پرداخت کنم.

به دلیل عدم پرداخت به موقع قبض مکالمات تلفن همراهش، ارتباط تلفنی او را مسدود کرده‌اند.



ارتباط تلفنی او را قطع کرده‌اند، زیرا قبض مکالمات تلفن همراهش را به‌موقع پرداخت نکرده است.

۳) دقت در نحوه مجهول‌نویسی:

الف) جمله مجهول همراه با فاعل:

در زبان فارسی، عموماً جمله‌ای نمی‌گویند که فعل آن مجهول باشد و فاعل فعل هم در جمله آمده باشد. برخی استفاده از فعل مجهول همراه با فاعل را نادرست می‌دانند. مثلاً نادرست است که بگوییم «مقاله حاضر توسط من ترجمه شده است». در زبان انگلیسی از این گونه جمله‌ها بسیار استفاده می‌کنند. بنابراین، هنگام ترجمه متن‌های انگلیسی، یکی از معضلات مترجمان ترجمه این گونه جمله‌هاست. توجه به این نکته مفید است که در زبان انگلیسی، یکی از موارد کاربرد این ساختار هنگامی است که بخواهند بر مفعول تأکید کنند. به همین دلیل مفعول را مقدم بر فاعل می‌آورند و ساختار جمله را تغییر می‌دهند. در ترجمه جمله‌های مجهولی که فاعل هم در جمله آمده است به ترتیب از این راهکارها استفاده می‌کنیم:

۱) فعل جمله را معلوم می‌کنیم و مفعول را ابتدای جمله می‌آوریم و بعد فاعل را ذکر می‌کنیم تا تأکید حفظ شود:

my bag was stolen by thieves.

کیفم را سارقان دزدیدند.

۲) معلوم کردن فعل جمله و آوردن فاعل در ابتدای جمله:

سارقان کیفم را دزدیدند.

• نکته: دلیل ترجیح راه اول بر این راه این است که عموماً معتقدند تقدم یک جزء در جمله در فارسی به معنای تأکید بر روی آن است. پس، از آنجا که جمله مجهول همراه با فاعل در انگلیسی به قصد تأکید بر مفعول است، در فارسی هم باید مفعول را مقدم بر فاعل آورد. باین حال، اگر چنین راهکاری موجب بدخوان شدن جمله شود، مثلاً در جمله‌های طولانی، بهتر است از راهکار دوم استفاده کرد، یعنی جمله را معلوم نوشت و فاعل را مقدم کرد.

۳) استفاده از توسط، از سوی و نظایر آن:



استفاده از این راهکار فقط در صورتی مجاز است که راهکار اول و دوم را نتوان استفاده کرد (موجب ابهام و کژتابی و... شود) و هیچ راه دیگری نظیر شکستن جمله و بازنویسی ممکن نباشد.

ب) جمله مجهول بدون فاعل:

در فارسی چنین مجهول نویسی‌هایی مجاز است. همچنین می‌توانیم، با آوردن فعل در صیغه سوم شخص جمع، فاعل را مبهم کنیم و بدین ترتیب جمله را معلوم بنویسیم:

جمله «کیفم دزیده شد» تبدیل می‌شود به: «کیفم را دزدیدند».

استفاده از این راه به این شرط است که ابهام در جمله پیش نیاید و مثلاً اگر در چند جمله قبل فاعل جمع آمده باشد، بهتر است از این راهکار استفاده نکنیم تا فاعل مبهم این فعل با آن فاعل جمع اشتباه نشود.

۴) دقت در نحوه کاربرد جمله‌های اسمی و فعلی:

یکی از تأثیرات ترجمه در زبان فارسی استفاده بیش از حد از جمله اسمی به جای جمله فعلی است. در زبان فارسی فعل در انتهای جمله می‌آید و به همین دلیل باید هر چه زودتر جمله تمام شود تا بین نهاد و فعل فاصله نیفتد. در انگلیسی، فعل پس از نهاد و قبل از مفعول می‌آید. لذا، در بسیاری از جملات، عمل اصلی را با اسم انجام می‌دهیم و جملات طولانی‌تر می‌شود.

جمله اسمی جمله‌ای است که در آن جزئی از جمله با عبارت اسمی بیان می‌شود درحالی که امکان داشت همان عبارت با فعل بیاید. عبارت اسمی در جاهای مختلفی قرار می‌گیرد. نهاد، مفعول، متمم، مسند و...: متحد شدن اعضا را باور نمی‌کنم / باور نمی‌کنم که اعضا متحد شوند.

از مدیر شدن پدرش خوشحال شد / خوشحال شد که پدرش مدیر شد.

رویدن گیاهان: گیاهان می‌رویند. / موجود نبودن چیزی: چیزی موجود نیست / فاقد فرهنگ نقد: فرهنگ نقد نداریم.

استفاده از جمله فعلی باعث می‌شود که خبر زودتر رسانده شود و جملات گویاتر شود. استفاده از جملات اسمی باعث می‌شود که سبک نوشته خشک‌تر، رسمی‌تر و بی‌طرفانه‌تر شود. گویا با استفاده از جملات اسمی نویسنده تعهدی نسبت به صحت ادعای خود ندارد. ظاهراً غربی‌ها در نوشته‌هایشان بیشتر تمایل دارند از جمله اسمی استفاده کنند تا فعلی.

دلایل برتری جمله فعلی بر جمله اسمی: ۱. فعل وضوح بیشتری از اسم دارد. ۲. عبارت اسمی جمله را طولانی‌تر می‌کند. ۳. عبارت اسمی نثر را یکنواخت و خشک می‌کند؛ اثر و تأثیر نوشته را می‌گیرد. بنابراین بهتر است از جمله فعلی استفاده کنیم، مگر آنکه ضرورتی برای استفاده از جمله اسمی باشد. به منظور توضیح دادن چرایی و چگونگی حضور اسطوره و تاریخ در صد سال تنهایی باید خلاصه‌ای مختصر از نظریه وسیعی که استدلال‌های خود را بر آنها استوار کرده‌ام به دست دهم. برای آنکه چرایی و چگونگی حضور اسطوره و تاریخ در صد سال تنهایی را توضیح دهم، باید خلاصه‌ای از نظریه وسیعی ارائه دهم که استدلال‌های خود را بر آن استوار کرده‌ام.

۵) یکدست نوشتن زمان‌ها:

بهتر است در هنگام نوشتن جمله‌ها، یا ترجمه آنها، تا جایی که می‌شود التزام به زمان مشخصی داشته باشیم و زمان فعل‌ها را پی‌درهم تغییر ندهیم. ابن سینا بحث وجود را در انتهای شفا مطرح کرد و ادله خود را برای اثبات خداوند ارائه می‌کند. ابن سینا بحث وجود را در انتهای شفا مطرح می‌کند و ادله خود را برای اثبات خداوند ارائه می‌کند.

۶) پرهیز از تتابع افعال:

- در من صدای وجدان از صدای همه این استدلال‌های مردم فریب که دستاویز کسانی که چشم بسته اطاعت می‌کنند شده است بلندتر است.
- در من صدای وجدان بلندتر است از صدای همه این استدلال‌های مردم فریب که دستاویز کسانی شده است که چشم‌بسته اطاعت می‌کنند.
- برای توضیح بیشتر، رجوع کنید به مدخل تتابع افعال در غلط‌نویسیم ابوالحسن نجفی.
- وزیر امور خارجه هند پیشنهادی تازه در مورد برنامه هسته‌ای ایران در نشست شورای حکام که فردا قرار است برگزار شود مطرح خواهد کرد.
- وزیر امور خارجه هند قرار است فردا پیشنهادی تازه در نشست شورای حکام مطرح کند.
- بر این نکته که بر سر حرفی که می‌زنم می‌ایستم مطمئنم.
- مطمئناً بر سر حرف خود اصرار می‌ورزم.



- این موضوع چندان تفاوتی با آنچه در بین النهرین که بخش شرقی این هلال است بود ندارد.
- این موضوع چندان تفاوتی ندارد با آنچه در بین النهرین، واقع در بخش شرقی این هلال، اتفاق افتاده است.
- قانون همان بایدها و نبایدهایی که ملزم به اجرای آن هستیم است.
- قانون همان بایدها و نبایدهایی است که ملزم به اجرای آن هستیم.

۷) دقت در نحوه کاربرد افعال وصفی:

فعل در زبان فارسی به دو صورت وصفی و صرفی به کار می‌رود. فعل صرفی دارای زمان و شخص است. ولی فعل وصفی بدون زمان و شخص است، یعنی برای همه زمانها و همه اشخاص به یک وجه به کار می‌رود:

فعل صرفی از مصدر رفتن: من دیروز رفتم، تو دیروز رفتی، او دیروز رفت، من دیروز رفته بودم، تو دیروز رفته بودی، او دیروز رفته بود و...

فعل وصفی از مصدر رفتن: من دیروز رفته، تو دیروز رفته، او دیروز رفته و...

امروزه رایج است که افعال وصفی را تغییر می‌دهند و تبدیل به افعال صرفی می‌کنند. با توجه به کاربرد این افعال در نوشته‌های نویسندگان مهم، می‌توان از این افعال استفاده کرد. اما باید توجه کرد که فاعل فعل وصفی و صرفی یکی باشد: مثال درست: دیروز به موزه رفته، آثار باستانی را تماشا کردم. مثال نادرست: علی دیروز به موزه رفته، آقای وزیر در آنجا سخنرانی می‌کرد.

۸) پرهیز از حذف فعل بدون قرینه لفظی:

در آزمایشی، دو نوزاد را از دیگران جدا و در کلبه چوپانی قرار دادند و کسی حق نداشت با آنها سخن بگوید.

در آزمایشی، دو نوزاد را از دیگران جدا کردند و در کلبه چوپانی قرار دادند و کسی حق نداشت با آنها سخن بگوید.

وی را به شرق کشور تبعید و در خانه‌اش زیر نظر گرفتند.

وی را به شرق کشور تبعید کردند و در خانه‌اش زیر نظر گرفتند.



- در شرایطی بهتر است هر دو فعل را بدون حذف آورد. برای مثال زمانی که فاصله میان فعل مرکب اول و دوم زیاد باشد:

واحدهای مهندسی قایق‌های جای‌گزین را آماده و پیش از رسیدن نیروهای پشتیبان و آغاز مرحله بعدی عملیات، آن‌ها را دسته‌بندی و شماره‌گذاری می‌کنند.

واحدهای مهندسی قایق‌های جای‌گزین را آماده کرده و، پیش از رسیدن نیروهای پشتیبان و آغاز مرحله بعدی عملیات، آن‌ها را دسته‌بندی و شماره‌گذاری می‌کنند.

۹) کاربرد درست رای مفعولی:

بیشتر ویراستاران «رای بعد از فعل یا بعد از متمم را غلط می‌دانند و می‌گویند «را» باید بلافاصله بعد از مفعول بی‌واسطه بیاید:

کتابی که به من داده بودی را خواندم.

کتابی را که به من داده بودی خواندم.

اما این دستورالعمل گاهی به ابهام جمله می‌افزاید:

الف) رای پس از فعل

«شولم، با این رتوریک، انشقاق درونی فرهنگ و سیاست یهودی میان دوست داشتن خودمان و آن‌هایی که از ما نیستند را بازتولید می‌کرد.» در این جمله انشقاق درونی فرهنگ و سیاست یهودی مفعول است، اما متمم‌هایی دارد که در ادامه مفعول بیان می‌شوند؛ در نتیجه، کل عبارت «انشقاق درونی فرهنگ و سیاست یهودی میان دوست داشتن خودمان و آن‌هایی که از ما نیستند» مفعول جمله به حساب می‌آید.

ب) رای پس از متمم

«خبر خروج داعش از سوریه را مخابره کردند.» اگر جمله را این گونه تغییر دهیم «خبر خروج داعش را از سوریه مخابره کردند»، مخاطب متوجه نمی‌شود آیا داعش از سوریه خارج شده است و خبرش را مخابره کرده‌اند یا محل مخابره خبر از سوریه بوده است. به عبارت دیگر، «از سوریه» متمم «خروج» است و نه قید فعل؛ پس جای درست «را» بعد از متمم مفعول است.



- در متون فارسی «را» به جای حرف اضافه و در معانی متعددی به کار رفته است. اما این کاربردها در

متون امروزی مصطلح نیست:

باید کودکان را کمک کرد.

باید به کودکان کمک کرد.

۱۰) کاربرد درست یک:

در زبان فارسی «یک» عمدتاً برای شمارش به کار می‌رود، یعنی زمانی که نویسنده قصد دارد به واحد بودن اسم اشاره کند.

«در خانه اگر کس است، یک حرف بس است»

- «یک» را نباید به جای «هر» به کار برد:

یک ایرانی باید از وطنش دفاع کند.

هر ایرانی باید از وطنش دفاع کند.

- نباید یک را پیش از اسم جنس و نوع به کار برد:

یک گیاه به آب نیاز دارد.

گیاه به آب نیاز دارد.

- می‌توانیم به جای استفاده از «یک» به عنوان علامت نکره از نشانه رایج زبان فارسی، یعنی «ی»، استفاده کرد؛ این کار باید با در نظر گرفتن سبک و لحن نوشته انجام شود:

او در یک محله دورافتاده زندگی می‌کند.

او در محله‌ای دورافتاده زندگی می‌کند.

۱۱) پرهیز از تتابع اضافات:

تتابع اضافات یعنی آوردن چند اضافه پشت سر هم (چه در ترکیب وصفی چه در ترکیب اضافی)

کاربرد بیش از حد تتابع اضافات سبب می‌شود فهم جمله به تأخیر بیفتد.



آن‌ها عمدی بودن حادثه خارج شدن قطار مسافری مسیر آریزونا را از خط بعید نمی‌دانند.
آن‌ها بعید نمی‌دانند که حادثه خارج شدن قطار مسافری از خط در مسیر آریزونا عمدی باشد.

۱۲) پرهیز از درازنویسی:

در من صدای وجدان بلندتر است از صدای همه این استدلال‌های مردم فریب که دستاویز کسانی شده است که چشم بسته اطاعت می‌کنند.

این جمله را می‌توانیم به دو جمله کوتاه‌تر تبدیل کنیم:

در من صدای وجدان بلندتر است از صدای همه این استدلال‌های مردم فریب، استدلال‌هایی که دستاویز کسانی شده است که چشم‌بسته اطاعت می‌کنند.

۱۳) توجه به کژتابی‌ها و برطرف کردن آنها:

- اینشتاین پس از ۲۰ سال زندگی در پرینستون درگذشت. (در پرینستون ۲۰ سال زندگی کرد و در آنجا درگذشت؟ یا ۲۰ سال زندگی کرد و در پرینستون درگذشت؟)
- جلد سوم و آخر این اثر تا پایان سال منتشر خواهد شد. (جلد سوم همان جلد آخر است یا بعد از جلد سوم جلد آخر منتشر می‌شود؟)
- ادوارد جونز، فرزند سر جورج جونز، نخست‌وزیر سابق انگلستان، از سیاست‌مداران برجسته روزگار خود بود. (نخست‌وزیر سابق انگلستان ادوارد جونز بود یا جورج جونز؟)
- پدربزرگ من مرد ثروتمندی است و به هر کس که بخواهد کمک می‌کند. (هر کس که پدربزرگ من بخواهد یا هر کس که نیازمند کمک باشد و کمک بخواهد؟)

۱۴) توجه به هم‌نشینی واژه‌ها:

در هر زبانی، به تناسب سیاق سخن و واژگان رایج در آن سیاق، هم‌نشینی واژه‌های خاصی برای مخاطب مأنوس و زیباست و برخی هم‌نشینی‌ها برای مخاطب غریب و نازیبا به نظر می‌رسد. در ترجمه یا ویرایش متن‌ها، باید به این هم‌نشینی‌ها و اصلاح آن‌ها توجه کرد:
آن شب، بحث دست‌وپاگیری درباره این موضوع به راه انداختم.



در جمله بالا کلمه «دست‌وپاگیر» هم‌نشینی مناسبی با «بحث» ندارد. بهتر است، به فراخور سیاق متن، از واژه‌هایی مثل پرچالش، پرمناقشه، دردسرساز و نظایر آن استفاده کرد.

۱۵) استفاده از امکانات زبان: (این مورد به‌عنوان پیشنهاد است و مترجمان می‌توانند از آن استفاده کنند و نکته‌های دیگری نیز به آن بیفزایند. ویرا ستار هم می‌تواند این نکات را به‌عنوان پیشنهاد با مترجم مطرح کند.)

- در زبان فارسی، امکان واژه‌سازی از فعل مرکب کمتر است تا از فعل ساده. می‌توان بیشتر از افعال ساده استفاده کرد تا این قابلیت زبان فارسی احیا شود:
 - نالید به جای ناله کرد.
 - زیست به جای زندگی کرد.
 - بررسید به جای بررسی کرد.
 - پژوهید به جای پژوهش کرد.
- استفاده از امکانات واژه‌سازی: برای مثال می‌توان به‌جای استفاده بیش از حد از قابل و غیرقابل، از راه‌های دیگری برای رساندن معنا استفاده کرد: «غیر قابل تحمل» را می‌توان «برنافتنی» نیز نوشت و «قابل دسترس» را «دسترس‌پذیر».